

تجلی فرزادگی، علم و اخلاق در سیمای بانوی ایرانی

(سیری در آثار و احوال فکری و تربیتی بانو مجتهده سیده نصرت امین)

محمدحسین ریاحی*

در باب اول کتاب، بانوی ایرانی به بیان فضیلت محبت حضرت مولی الموالی امام علی بن ابی طالب علیه السلام می پردازد و مطالب مهمی را که هم جنبه معرفتی دارند و هم جنبه اخلاقی، عرفانی و فلسفی، مطرح می کند. این مطالب عبارتند از:

الف - روایاتی که دلالت بر فضیلت محبت حضرت امیر علیه السلام دارند فراوان هستند که برخی از آنها در اثر ذکر شده است.

ب - مقصود از محبت علی بن ابی طالب علیه السلام، دوست داشتن او به اعتبار مقام ولایت و امامت اوست، نه تنها محبت شخص او

ج - شناخت حضرت امیر به مقام نورانیت (ارزشمند است) یعنی ولایت مطلقه امام را بشناسیم که این گونه شناخت، شناختن خدای تعالی است. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی کردم»، این حدیث شامل حضرت امیر علیه السلام هم می شود، [چراکه] قرآن کریم در آیه مباحله، امیرالمؤمنین علیه السلام را به منزله نفس و جان پیامبر قرار داده است. پس هر فضیلتی غیر از مرتبه رسالت که پیغمبر صلی الله علیه و آله دارا بود، علی علیه السلام هم دارا است والا صحیح نبود که خداوند در قرآن او را به

منزله نفس پیامبر(ص) قرار دهد. د - محبت حضرت علی (ع) فوایدی بسیار دارد. بانو در این مورد می نویسد: فواید این محبت را نمی توان احصاء کرد، زیرا محبتی که از روی معرفت به مقام نورانیت آن سرور باشد، به عینه محبت حق تعالی است و هم دوش با ایمان است.

ه - محل این محبت روح ایمانی است، نه نفس حیوانی، زیرا نفس حیوانی در معرض فنا و زوال است و این محبت امری حقیقی و دائمی است و به محل حقیقی خود تعلق می گیرد که آن روح ایمانی است.

و - این محبت و دوستی از راه های گوناگون بوجود می آید.^۱

در پنج مطلب اول، بانو مجتهده سیده نصرت امین به بحث های نظری و عملی می پردازد و در قسمت پایانی آن، راه کارهای عالمانه عملی ارائه می دهد و این کمال درک و بصیرت یک نویسنده است که هم قدرت علمی برای درک حقیقت داشته باشد و هم برای درمان دردها و گشایش راه های مسدود، راهبردهایی اخلاقی و عرفانی را ارائه دهد. در مورد مطلب آخر، بانوی ایرانی می نویسد:

«اول مرتبه محبت، میل نفس است به طرف محب و

سبب آن تمایل فطری است. یعنی قوه جاذبه که بین طرفین وجود دارد.

تا که از جانب معشوق نباشد کششی
کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد

و آخر مرتبه محبت، میل روحانی و عشق حقیقی است که او را عشق پاک نامند و بین عشق و محبت درجاتی است: مرتبه اول، اتصال به محبوب است یعنی رسیدن به مقام مشاهده حق تعالی به قلب و آخرش مقام فنا فی الله است، یعنی غرق شدن در بحر عظمت وجود حق جل و علا... البته آن وقت بار روشنایی نور حق تعالی که به قلب او تابش نموده، نفوس زکیه و آل محمد (ص) را می شناسد و باری تعالی آن را دوست می دارد در کمال دوستی.^۲

بانو امین پس از فراغت از نگارش باب اول که محبت و فضیلت آن نسبت به حضرت امیر علیه السلام بوده به باب دوم می پردازد و خصوصیات حضرت را با شرح کامل بیان می کند که به گونه ای مختصر عبارتند از:

الف - علی علیه السلام افضل از انبیاء و مساوی با پیامبر خاتم صلی الله علیه واله در تمام خصلت هاست غیر از دو جهت رسالت و نبوت.

ب - علی علیه السلام فضایل خاصی دارد که هیچ یک از صحابه پیامبر(ص) نداشته اند. بانوی ایرانی در این قسمت می نویسد:

«... از این کلمات (سخنان علی علیه السلام به ابوذر و سلمان) معلوم می شود که آن بزرگوار نماینده تمام صفات، اسماء و افعال و آثار حق تعالی است، یعنی از جهت قرب و منزلت و معرفت و یقین به جایی رسیده که تمام صفات حق تعالی در وجود مبارک او ظهور و بروز کرده و از برای جامعیت و تمامیت به او همین بس که آن جناب جامع بین صفات متضاده بود، مثل شجاعت و رقت و...»^۳

در این بخش از کتاب، بانو امین هفتاد فضیلت را از زبان گویای قرآن ناطق، حضرت علی علیه السلام ذکر می کند که جهت توضیح هر یک به نگارش کتابهای زیادی نیاز داریم و بانو آنها را به اختصار شرح می دهد، بانو مجتهده می نگارد و با سوز و گداز می نگارد، زیرا که عشق و محبت امیر علیه السلام قلب او را مالمال از ارادت و محبت نموده و اشک از دیدگانش فرو می ریزد و قلم در میان انگشتانش به لرزه درآمده است. خدایا این عشق و ارادت چیست که به ما حیاتی جاودانه می دهد؟!^۴

یا رب چه چشمه ای است محبت که من از آن یک

قطره آب خوردم و دریا گریستم.

بیان هر ویژگی اخلاق و فضیلتی در این کتاب نوری است که از پنجره دل وارد می شود و خانه وجود را نورانی می کند. علی علیه السلام چنین معرفی می کند: «به قدر یک چشم بر هم زدن برای خدا شریک قرار ندادم. هرگز لب به حرام نگشودم، من با پیامبر هم کاسه و هم غذا بودم و مونس او بودم در کودکی، اولین کسی بودم که ایمان آوردم و اسلام را به جان پذیرفتم، پیامبر (ص) مرا به منزله هارون نسبت به موسی برای خود می دانست و وصی خود معرفی کرد، آخرین کسی بودم که از رسول خدا هنگام رحلت جدا شدم و با پیامبر در بستر خوابیدم در حالی که کشته شدن برای من یقینی بود و...»

ج - بیان معجزات حضرت و مورد اتفاق بودن آن از ناحیه شیعه و سنی^۵

د - صفات اخلاقی و ویژگی های پسندیده امیرالمؤمنین علیه السلام از جمله احاطه علم آن حضرت بر همه چیز و شجاعت، زهد، عدالت و شرافت آن حضرت که به صورت کامل و مبسوط بیان می شود.

ه - برخی از مواضع حضرت که از نهج البلاغه و غیر از آن استفاده می شود.

بانو امین پس از آن که شخصیت اخلاقی، روحانی و علمی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را به نگارش در می آورد، به بیان صفات متقی خالص و مؤمن کامل می پردازد.

از دیگر اقدامات علمی بانو امین نگاشتن تفسیر ارزشمندی به نام «مخزن العرفان» است وی درباره انگیزه چنین تفسیری آورده است: «مدت زمانی بود که گاه و بیگاه در فکر بودم تفسیر مختصر بنویسم و از کلمات آل عصمت علیه السلام اقتباس نموده و از بیانات مفسران خوشه چینی نمایم که شاید به این واسطه از مفسرین و متدبرین در قرآن محسوب گردم.»^۵

بانوی ایرانی پس از ذکر این اندیشه، به بیان موانع پرداخته و با کمال فروتنی و تواضع از ناداری و فقر خود سخن می گوید. برآستی که درخت هرچه پربرتر باشد سنگین تر و سر به زیرتر است، او می گوید:

«از طرفی ضعف نفس و فرومایگی سد راه می شد و از طرف دیگر تهدید از منع شارع از تفسیر به رای جلوگیری بود و جرات وارد شدن در این وادی هولناک را نمی کردم و لکن حس طلب نمی گذاشت راحت باشم.

پس از ساعت ها فکر و مطالعه، بانو امین پای در این وادی مقدس می گذارد تا اولین مفسره جهان هستی



یار و همدل و همراه او باشد، ولی داشتن عروسی که به واقع نقش دختری دلسوز و فداکار را برای این بانو ایفا می کرد مایه روشنی چشم او بود. صداقت و رفتار فروغ السادات به گونه ای بود که هم مرید بانو بود و هم دختری دلسوز و پرستاری مهربان که با بینش صحیح و منطقی خود و باورهای پاکی که نسبت به بانو مجتهده امین داشت، زمینه آرامش در خانواده را فراهم ساخت و مورد اعتماد و اطمینان قلبی بانو مجتهده بود.

روزی بانو امین نگاه محبت آمیز خود را که آمیخته با سپاس فراوان بود به عروس خود دوخته و می گوید:

- فروغ خانم! من بهشت را برای تو ضمانت می کنم!
عروس بانو امین، زن برجسته ای بود و رابطه او با همسرش حاج محمدعلی امین (تنها پسر مجتهده)، همانند رابطه صمیمانه بانو و حاج میرزا آقا بود، برپایی و تعمیر و انجام امور مربوط به مکتب فاطمه (ص) نیز از جمله خدمات این زن فهیم بود. پسر و عروس خانم امین تا زمانی که ایشان در قید حیات بودند هر روز غذای خود را در اتاق بانو و همراه با ایشان صرف می کردند و فاصله طبیعی بین دو نسل که در بقیه خانواده ها موجب ایجاد مشکل می شد، در خانواده بانو امین هرگز مخل روابط عاطفی خانوادگی نشد. رفتار پسر و عروس نسبت به بانو بسیار عاطفی و ستودنی بود.^۷
بجز تفسیر قرآن بانو امین که پانزده جلد است، مجموعه ای دیگر از ایشان بر جای مانده که مشتمل بر مطالب متعددی است.

علاوه بر تألیفات بسیار و تحقیقات ارزشمند بانو مجتهده امین که اکثر آنها جنبه اخلاقی و صبغه معنوی دارد و فضای روح را متعالی می کند و نورانیت می بخشد این بانوی بزرگوار به تدریس و ایجاد فضاهای آموزشی مناسب برای ایجاد تحولات معنوی و اخلاقی جامعه نیز کمک شایانی نموده به ویژه این که در چنان فضایی منشأ تحولات اساسی گردید چه ایجاد نهادهای مبتنی بر معارف معنوی اسلام و تعالیم حیات بخش قرآن، کمک بسیاری نیز در سرعت گرفتن مبانی ایمانی و رشد اخلاق در آن دوران کرده و اسوه های بسیاری را در محیط های بوجود آمده طاغوتی برای در هم شکستن آن فضاها و محیطها پرورش داد. حتی شخصیت هایی مانند فقیه بزرگ اهل بیت حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی از بانو مجتهده امین کسب اجازه روایی می کند که مناسب دارد ترجمه این اجازه نامه را در اینجا درج نمایم:

پس از مادرش فاطمه زهرا (س) باشد. اولین جلد تفسیر بانو در سال ۱۳۷۶ هـ ق به پایان می رسد. در این سال اگرچه به پایان رساندن جلد اول تفسیر برای بانو بسیار رضایت مندانه بود اما با مصیبت بزرگی نیز مواجه می شود. خزان زندگی حاج میرزا آقا، همسر بانو امین فرا می رسد و دست عجل سایه او را از سر بانو دریغ می کند.

علاقه بانو امین به همسرش برای دوستان و آشنایان ناشناخته نبوده و احترام و تکریم او نسبت به همسر نیز بر کسی پوشیده نیست بانو با همه شیفتگی که به کسب علم و دانش داشت هرگز لحظه ای حقوق خانوادگی را نادیده نگرفته و در هر حال خواسته ها و نظر آقا را مقدم می داشت، حاج آقا میرزا تاجر بود و با علم بحث و درس رابطه ای نداشت اما از آنجا که می دید بانوی او در کنار آموختن علم همه حقوق همسری و مادری را ضایع نمی کند به عقاید و اعمال و دانش اندوزی بانو احترام می گذاشت.

بانو امین از وقت تفریح و استراحت خویش برای مطالعه و تحصیل کم می گذاشت، ولی هرگز از خواسته های همسر چشم پوشی نمی کرد و حتی ساعت ها به خاطر علاقه ای که حاج آقامیرزا به صحبت کردن با ایشان داشت در کنار همسر می نشست و با او سخن می گفت، بانو هرگز جایی برای کله و شکایت باقی نمی گذاشت و نظم و نظام زندگی او به گونه ای بود که همه حقوق به جای خود ادا می شد و هیچ حق و نیازی به پای درس خواندن بانو ذبح نمی شد.^۸
بانو امین پس از مرگ حاج میرزا آقا اداره منزل و تدبیر خانه را به پسر و عروس مهربان و دلسوز خود واگذار کرد. اگرچه بانو مجتهده امین هرگز صاحب دختری نشد تا

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله وحده و الصلاه و السلام على من لا نبي بعده
 و على آله و صحبه الناهجين نهجه
 جناب سید عالم اعلام، فاضل مورد تایید بزرگوار، عمده
 علمای عاملین سید سند، جناب آقای سید شهاب الدین
 حسینی مرعشی غروی، عالم به علم نسب، مکتبی به
 ابوالمعالی و مشهور به آقاجفی - امت افاضاته - از حقیر
 اجازه خواست. پس از استخاره از خداوند تعالی، به ایشان
 اجازه دادم که روایت کند از من هر چه را که روایتش برای
 من صحیح است از کتب تفسیر و ادعیه و فقه، و غیر
 از اینها از تالیفات شیعه و آنچه اصحاب ما از غیر شیعه
 روایت کرده اند، به جمیع طرقی که معلوم و در جای خود
 مضبوط است.

از این طرق است اجازه حجت الاسلام شیخ محمدرضا
 نجفی اصفهانی - دامت افاضاته - از سیدحسن صدرعاملی،
 از شیخ عالم حاج ملاعلی پسر مرحوم میرزا خلیل
 از شیخ عبدالعلی رشتی از کاشف الغطاء و سیدعلی
 صاحب ریاض، هردو از مولی محمد باقر بهبهانی از پدر
 گرامیش محمد اکمل از علامه شیروانی و مولی جمال
 الدین خوانساری و شیخ جعفر قاضی و مولی محمدباقر
 مجلسی همگی از مولی محمد تقی مجلسی از شیخ بهاء
 الدین عاملی - قدس الله اسرارهم - به طریقی که در اول
 کتاب اربعین او مندرج است.

به ایشان همان چیزی را توصیه می کنم که جدم
 امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه و اله الطاهرین - به
 فرزندش امام حسن علیه السلام در هنگام بازگشت از
 صفین نوشت و در آن به وی چنین وصیت کرد:
 «فرزندم تو را به تقوی و فرمان خدا و آباد کردن قلبت
 با ذکر او و چنگ زدن به ریسمان الهی توصیه می کنم، و
 چه وسیله ای مطمئن تر از رابطه ای که بین تو و خدای
 جل جلاله است. اگر به آن چنگ زنی - باشد پس قلبت
 را با موعظه و اندرز زنده کن. (و هوای نفس را) با زهد
 و بی اعتنایی بمیران، دل را با یقین نیرومند و یاد مرگ
 رام کن و آن را به اقرار فنا دنیا وادار، و آن را با خشیت
 آرام گردان و با صبر بیوشان و با نشان دادن فجایع دنیا او
 را بصیر گردان، و از حملات روزگار و زشتی های گردش
 زمانه و تغییر شب و روز بر حذرش دار، اخبار گذشتگان را
 بر او عرضه نما و آنچه را که به پیشینیان رسیده یادآوریش
 کن، در دیار و آثار مخروبه آنها گردش نما و درست بنگر
 آنها چه کرده اند ببین از کجا منتقل شده اند و در کجا
 فرود آمده اند خواهی دید که از میان دوستان، منتقل شده

و به دیدار غربت بار انداخته اند، گویا طولی نکشد که تو
 هم یکی از آنان خواهی بود، بنابراین منزلگاه آینده خود را
 اصلاح کن و آخرتت را به دنیایت مفروش.»

به ایشان سفارش می کنم که در سفارشات امیرالمؤمنین
 علیه السلام بسیار تفکر کند و در سخنان آن حضرت در
 نهج البلاغه بعد از آیه «الهیکم التکاتر» زیاد تأمل کند.
 کسی نیست که آن را نصب العین خود قرار دهد، مگر دنیا
 و همه آنچه در اوست، نزد او همانند بال مگس، پست و
 بی ارزش گردد.

از خداوند متعال توفیق همه را در عمل به آن
 سفارشات مسئلت می نمایم و از او می خواهم که به حق
 پیامبر و خاندان پاکش ما را به اندازه یک مژه بر هم زدن
 به خود وانگذارد.

و السلام علیه و علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته

اول محرم الحرام ۱۳۵۸ هجری

حقیر فقیر به سوی رحمت پروردگار غنی، علویه

امینیه دختر حاج سید محمدعلی امین التجار اصفهانی^۸

بی شک در متن این اجازه نامه علاوه بر بیان سلسله
 مشایخ و تبیین جایگاه عالم بزرگوار مرحوم آیت الله العظمی
 مرعشی، مهم ترین آمیزه های آن مسائل اخلاقی و تربیتی
 و اتکاء به آن است و نشان دهنده عظمت روحی و معنوی
 این شایستگان تاریخ تشیع را در زمان ما است.

یکی دیگر از افرادی که بانوی ایرانی (مجتهد امین)
 به او اجازه روایت می دهند حجة الاسلام و المسلمین
 شیخ زهیرحسون است که اهل علم و تحقیق و درایت
 بوده است.^۹

شاگردان بانو مجتهد امین را به شش قسمت می توان
 تقسیم کرد:

الف - شاگردانی که به صورت منظم دروس حوزه را
 نزد بانو و دیگران خواندند و به عبارتی از «شرح امثله»
 شروع کرده و مدارج علمی را به ترتیب مرسوم طی
 نمودند. این شاگردان که از اولین لحظه های تدریس بانو
 که از سال ۱۳۱۴ش آغاز شد حضور داشتند و از علم و
 عرفان ایشان بیشتر بهره بردند تنها دو نفر بودند:

یکی از آنان بانو زینت السادات همایونی که ۵۰ سال از
 عمر پر برکت خویش را در کنار بانو بود و در برابر کرسی
 استادی ایشان زانو می زد. علویه همایونی می گوید:

«استاد مجتهد بانو امین هنگامی که «اسرار الایات»
 را به ما درس می دادند چنان زیبا تدریس می کردند که
 تمامی کلمات آن بر جان ما می نشست و حالتی خاص در

این کلاس اختصاصی داشتیم.»^{۱۰}
به یقین آن حالات خاص استاد هنگام تدریس باعث شد که بانو همایونی به ترجمه «اسرارالآیات» مرحوم ملاصدرا شیرازی [معروف به صدرالمتألهین] بپردازد این کتاب به بیان مولف آن کلید درهای بهشت رضوان است و خزائن خدای رحمان با آن مکشوف می گردد و جواهر عالم ملکوت به آن شناخته می شود.^{۱۱}
این بانوی فرهیخته در مورد شاگرد خاص خود، چنین می نویسد:

«مجلله عالمه فاضله از سادات حسینی بانو زینت همایونی، در عنفوان جوانی و موقع شباب که هر جوانی خصوصاً بانوان و دوشیزگان به دنبال آرایش و جلوه‌گری می باشند - در صورتی که برای ایشان موقع هم مساعد بود و مانعی در راه نبود - با آن اصالت و سیادت که جبلی ایشان بود - طریق سعادت را اختیار نمود و در اول وهله که او را ملاقات نمودم از وجنات صورت او آثار سعادت و استعداد کمال مشاهده نمودم و قول تعالی نظرم آمد که در سوره اعراف آیه ۵۶ فرموده:

«والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لایخرج الا نکدًا»^{۱۲}

بانوی دیگر خانم عفت الزمان امین نیز که او هم از شاگردان خاص مجتهده بود وی دختر حاج سیداحمد امین، معروف به افتخارالتجار است. بانو مجتهده زن عمومی این خانم بوده است. عفت الزمان امین در تاریخ اول رمضان المبارک سال ۱۳۳۱ هـ ق در شهر اصفهان و در یک منزل قدیمی واقع در خیابان عبدالرزاق پا به عرصه وجود گذاشت. بانو عفت الزمان بجز استفاده از زن عمومی خود از علمای نامور و پرهیزکار اصفهان در آن زمان از جمله آقا میرزا علی اصغر شریف، آقا سید صدرالدین هاطلی کویابی، حاج آقا نورالدین اشنی قودجانی، شیخ مرتضی مظاهری، حاج شیخ مرتضی اردکانی و نیز آقا میر سید علی علامه فانی علوم متعدد حوزوی را فرا گرفت. خانم عفت الزمان امین در اواخر عمر سه بار به نجف اشرف و عتبات مشرف گردید که هر دفعه آن چندین ماه به طول انجامید. گویا در همین سفرها بود که موفق به دریافت اجتهاد روایتی از آیت الله شاهرودی شده است. وی دارای تألیفاتی است که از جمله آن می توان کتاب «چهل حدیث امین» را نام برد. این اثر در نجف اشرف طبع شده است. بانو عفت الزمان در کنار بانو مجتهد امین زحمات طاقت فرسایی را در جهت اداره مدرسه فاطمیه (س) داشته است. وفات ایشان در تاریخ پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۹۷ هـ ق در اصفهان بود

نقشی در نظام عالم دارند و خدا چه مرحمتی به آنها کرده است، در جامعه این قدر ذلت نمی کشیدند.

با توجه به این احساس اخلاقی، اجتماعی و دینی بود که بانوی فاضله و معلم اخلاق و معنویت بانو امین در سال ۱۳۴۴ شمسی حوزه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) برای خانم‌ها تاسیس کرد و با حدود ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ شاگرد شروع به کار کرد. تاسیس این مکتب به صورت یک حرکات علمی و فرهنگی در جامعه زنان درآمد که در آن مرکز بانوان علاقمند به کسب علم و فضیلت به تحصیل و تدریس علوم اسلامی در رشته‌های فیزیک، اخلاق، فلسفه، اصول، حکمت، فقه و عرفان پرداختند و این حرکت هنوز هم ادامه دارد و از دستاوردهای پر ارزش و معنوی این مکتب در تعلیم و تعلم بانوان قابل توجه بوده است. به طوری که بسیاری از خانم‌های اصفهانی که دارای تحصیلات مذهبی هستند از شاگردان حاجیه خانم امین بوده‌اند و یا از جلسات اخلاق، تفسیر قرآن و مباحث مذهبی ایشان که به صورت هفتگی برگزار می‌شد بهره‌مند شده‌اند. شایان ذکر است که مکتب فاطمه (س) از همه شاگردان شهریه دریافت نمی‌کرد و کلیه هزینه‌های مکتب به وسیله بنیانگذار آموزشگاه یعنی بانو امین پرداخت می‌شد و حتی بعد از رحلت ایشان نیز با توجه به پیش‌بینی‌هایشان این روش استمرار یافته است. از دیگر خدمات فرهنگی بانو امین تأسیس دبیرستانی دخترانه بود. در آن زمان به سبب این که دبیران بسیاری از دبیرستان‌های دخترانه مرد بودند، خانواده‌های مذهبی به ندرت اجازه می‌دادند دخترانشان به دبیرستان بروند و در نتیجه ایشان با تأسیس دبیرستان دخترانه راه تحصیل را برای بسیاری از دختران فراهم ساختند و این بانوی خیر و نیکوکار پس از پیروزی انقلاب اسلامی این دبیرستان را به آموزش و پرورش هدیه کردند.^{۱۴}

بانگاهی به زندگانی پر برکت این بانوی فاضله متوجه می‌شویم که ایشان با احساس مسئولیتی که نسبت به جامعه داشتند، سعی کرده‌اند با نوشتن کتب و مقالات، تأسیس مدرسه و مکتب علمی و اسلامی و پاسخگویی به سؤالات و راهنمایی طالبان علم و فضیلت به ویژه جامعه زنان گام‌های مؤثری در تربیت و تهذیب نفس شاگردان مکتبشان بردارند، آن هم در زمانی که مشکلات اخلاقی و تربیتی جامعه زیاد بود و از جمله موانعی بسیار در راه تحصیل علم و معارف اسلامی وجود داشت و قطعاً برای شناخت هر کس لازم است وضع زمانه او را نیز در نظر داشت.

و مدفن وی در تکیه امین در تخت فولاد است.^{۱۳}

ب - شاگردانی که برخی از کتابها را بدون ترتیب خاصی و به خاطر عظمت موضوع آن نزد بانوی ایرانی یعنی مجتهده امین خواندند و افتخار شاگردی بانو را داشته‌اند که از جمله آنها خانم غازی است وی هیجده سال در محضر بانو امین تحصیل کرد و کتاب‌ها و آثاری چون «حقایق» فیض کاشانی و غیر از آن را نزد بانو خواند و تا پایان عمر بانو از محضر عمر ایشان استفاده کرد. خانم غازی پس از فوت حاجیه خانم مجتهده امین (ره) به تبلیغ وسیعی در شهر اصفهان مشغول شد و کتابهای بانو امین را در جلسات متعدد خویش برای بانوان شیفته علم و اخلاق و معنویت می‌خواند. و در واقع یکی از کسانی است که همواره در ارائه تفکر صحیح و همه‌جانبه بانوی ایرانی و در زنده نگاه داشتن نام آن بزرگوار کوشش فراوانی داشته و سخنگوی ایشان بوده است، خانم قاضی از یادگارهای ارزشمند بانو امین در جامعه زنان اصفهان بوده و هست.^{۱۴}

ج - کسانی که علاوه بر شاگردی آن استاد فرزانه، خود از اساتید اولیه مکتب فاطمیه (ع) بوده‌اند. افرادی چون خانم‌ها صدیقه سادات حکیمیان، مهرالسادات قلمکاریان، و محبوبه گلستانیان هستند.

د - بانوانی که از شاگردان اولیه مکتب فاطمه (ع) و اولین دستاورد این مکتب و مرام بوده‌اند از آن جمله: خانم بتول افیونی که صاحب تالیفاتی نیز هستند و برخی دیگر.

ه - بانوانی که علاوه بر شرکت در جلسات چهارشنبه، همواره ملازم و همنشین بانوی ایرانی و بوده‌اند و ساعات زیادی از عمر خود را در محضر بانو بوده و از ایشان استفاده می‌کردند.

و - گروهی از زنان که در جلسه چهارشنبه بانو (تفسیر) شرکت کرده و پرورش یافته وعظ و خطابه بانو بودند. از جمله بانوانی که در این جلسات پر فیض شرکت داشتند، بانو فخرالسادات ابطحی است.^{۱۵}

از آنجایی که بانوی مجتهده سیده نصرت امین ارزش علم و تعلم را می‌شناخت و با توجه به وضعیت زمانه و اخلاقیات دستگاه حاکمیت به خوبی می‌دانست که مجال و زمینه تعلم برای دختران تا چه حد محدود است، به عنوان یک معلم متعهد احساس مسئولیت در قبال جامعه زنان می‌کرد و از هر جانی که می‌توانست در راه تعلیم و تربیت آنان بویژه از جهت اخلاقی می‌کوشید. ایشان از مشاهده وضع گروه‌هایی از زنان که تحت تاثیر وضع جامعه در آن زمان قرار گرفته بودند، زجر می‌بردند و می‌گفتند اگر زنان قدر خود را می‌دانستند و اگر می‌دانستند چه

بانو امین کمتر از خانه خارج می شدند و برنامه تحصیل و تحقیق و تعلیمشان در منزل مهیا می شد. به این ترتیب که در منزل درس می خواندند، کتاب می نوشتند، تحقیق و تدریس می کردند و در صورت لزوم با علماء هم مباحثه داشتند، اما وقتی با توجه به وضع زمانه برای اسلام احساس خطر کردند، دعوت کانون جهان اسلام را برای سخنرانی پذیرفتند و جلساتی هفتگی برگزار کردند و بدین ترتیب برخی از علماء و دانشمندان نیز به همراه دیگر مستمعین از بیانات ایشان که در نوار ضبط شد بهره ور شدند و این برای شاگردان ایشان قابل توجه بود که بانویی که تا آن روز کمتر در مجامع عمومی ظاهر می شد هنگامی که احساس خطر کرد که اسلام که در خطر است از خانه بیرون آمد و با حفظ موازین شرعی به ارشاد خواهران در زمینه حفظ شخصیت زن پرداخت.

بانوی مجتهد امین همیشه به خانم ها توصیه می کرد که سعی در فراگیری علم داشته باشید و می گفت که اگر خانم ها بخواهند از ذلتی که (در شرایط زمانه آن روز) بر ایشان بوجود آمده است خلاصی یابند باید به دنبال کسب معرفت بروند و تاکید بر این داشت که باید از قشر خانم ها عالم و مجتهد تربیت بشود.

از توصیه های دیگر خانم امین به خانم هایی که قصد اشتغال در محیط خارج از خانه را داشتند، این بود که با رعایت کامل حجاب اسلامی و حفظ اخلاقیات و دستورات شرع مقدس در محیط کار حاضر شوند، زیرا در غیر این صورت عمل آنها مورد رضای خداوند نخواهد بود.

توصیه بانوی مجتهد امین به بانوانی که قصد ادامه تحصیل داشتند چنین بود که مشکلات دوران تحصیل را تحمل کنند و درس را ادامه دهند زیرا که کمبود افراد متعهد و آگاه در بسیاری جوامع به خوبی حس می شود. توصیه های اخلاقی بانو امین به زنان جامعه قابل توجه بود و همواره توصیه به دانش افزایی و زدودن جهل از ناحیه آنان را داشتند به این ترتیب این بانویی که خود کانونی از مکارم اخلاقی و فضایل بود پذیرای افرادی بود که از دور و نزدیک نزد او شتافته و از رهنمودها و مواعظش بهره مند می شدند.^{۱۷}

از دیگر ویژگی های اخلاقی بانو مجتهد سید نصرت امین متانت و صبر ایشان بوده است. حلم و حوصله بانو زیانزد مردم بوده او با هر گروهی به تناسب فرهنگ آنها برخورد می کرد و گاه در مقابل طعنه ها و تهمت هایی که انسان های بی ظرفیت به او می زدند چنان صبر و حوصله ای نشان می داد که موجب پشیمانی طرف مقابل بود.

حتی زنان بی سواد با عشق و علاقه ای که نسبت به بانو پیدا کردند راه سواد آموزی را پیش گرفته و از محافل ایشان بهره مند شدند.

بانو امین در طول حیات پر بارش گاه گاهی بیماری هایی پیدا نمود ولی در برابر آنها حتی یک بار هم شکایت نکرد.^{۱۸} معاشرین و مستخدمین خود را بسیار تحمل می نمود به طوری که یکی از شاگردان ایشان گفته بود، اخلاق و رفتار ایشان برای من بیشتر از علم و درسشان اثر می گذاشت. رفتار بانو امین بسیار امید می داد، هر کس در خدمت این بانوی مکرمه می نشست امیدش را زیاد می کرد.

از روحیات بارز حاجیه خانم امین قدس سرها، نهایت تواضع، فروتنی و حلم و آرامش روحی فوق العاده ایشان بود. آن چیزی که بانو امین را یگانه مجتهد دوران ساخت تنها یاد گرفتن مشتی اصطلاحات علمی و رسیدن به مقام تفقه و اجتهاد نبود، بلکه قلب سلیم بود. این بانوی بزرگ با دو بال علم و معنویت به سوی خدا حرکت کرد، علم را همراه با تزکیه و تصفیه روح تحصیل کرد، و با قلب سلیم سیر الی الله نمود و به علم ظاهری هم اکتفا نکرد و به سلوک پرداخت و به علم اشراقی دست یافت، تا جایی که نفحات الرحمانیه را نوشت و...

یکی از رموز موفقیت این بانو که از نشانه های قلب سلیم هم می باشد ولایت و اتصال و توسل به اهل بیت علیه السلام است این ویژگی در رفتار و گفتار و نوشته های بانوی مجتهد امین وجود داشت. شاهد جاودانه آن، کتاب مخزن اللئالی است که در فضایل مولی الموالی حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام نوشته شده است. خانم فردوس مدرس هاشمی درباره عظمت معنوی بانو امین آورده است:

وجود مقدس و مطهرش آنچنان روحانی و مستغرق در عالم عرفان و معنویت بود که هر وقت انسان او را می دید مجذوب جذبه معنویت او شده و در پرتو نورانیت و نفس مطمئنه و قلب سلیم او در خود احساس شادی و نورانیت می کرد. در اثر مجالست و تشریف به محضرش روح و روان انسان اوج می گرفت، پرواز می کرد و با جهانی دیگر مانوس می شد، سیمای نورانی و ملکوتی اش، بی اراده انسان را به یاد خدا می انداخت و به راستی که مصداق: «من یدکرکم الله رویته و یزید فی علمکم منطقه و یرغبکم فی الاخره عمله» بود.^{۱۹}

بانو مجتهد طی مصاحبه ای در مورد آموختن علوم و کسب معارف چنین فرموده اند: غیر از بحث الفاظ، بیشتر از همین راه ها بوده و در

نوشته‌هایم کمتر از امور خارجی کمک گرفته‌ام و نمی‌گویم از غیب خبر دارم اما قلب معنویات و معارف را از استاد فرا نگرفته‌ام و غالب نوشته‌هایم با ارشاد خدا و کمک او بوده است.»

و جالب توجه اینکه: «وقتی ایشان دست به قلم می‌گرفتند و مشغول به نوشتن کتاب می‌شدند اصلاً قلم خوردگی در آن دیده نمی‌شد.» و این روشنگر امدادهای غیبی برای ایشان بوده است.

ایشان در خلال صحبت‌هایش خیلی روی این حدیث تکیه داشتند و می‌فرمود:

باید دید خدا چه دلی می‌خواهد و دوست دارد که علم و حکمت را به او افاضه فرماید؟ آن دلی را خدا دوست

تخت فولاد در تکیه خانوادگی، جنب تکیه حاج آقا مجلس مقابل تکیه مرحوم بروجردی به خاک سپرده شد.

در پایان مناسبت دارد وصیت‌نامه این بانوی مکرمه که لوح گرانبهایی از رهنمودهای اخلاقی و عرفانی مشحون از درهای ارزشمندی است را برای عزیزان خواننده درج نمایم، در این وصیت‌نامه بانو چنین آورده است:

حدیثی هست که: «من مات بلا وصیه مات میتة جاهلیة». پس در وصیت شروع می‌نمایم به آنچه پیامبر گرامی صلی الله علیه و اله به ما آموخت در روایتی که در تهذیب است از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند پیامبر خدا فرمود: «من لم یحسن وصیته عند الموت کان نقصاً فی مروته و عقله» قیل یا رسول الله (ص) و کیف یوصی المیت؟ قال (ص) اذا حضرته وفاته و اجتمع الناس الیه، قال:

اللهم فاطر السموات و الارض، عالم الغیب و الشّهاده، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ اللهم اِنّی اعهد الیک فی دار الدنیا اِنّی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک، و انّ محمداً عبدک و رسولک، و انّ الجنّه حقّ و النار حقّ، و انّ البعث و الحساب حقّ و العدل و القدر و المیزان حقّ، و انّ القرآن حقّ، و انّ القرآن کما انزلت، و انّک انت الله الحقّ المبین، جزی الله محمداً (ص) خیر الجزاء، و حیاً الله محمداً و آل محمد بالسلام اللهم یا عدّتی عند کربتی، و یا صاحبی عند شدّتی و یا ولیّ نعمتی، الهی و اله آبائی لا تکلنی الی نفسی طرفه عین، کنت اقرب من الشرّ، و ابعد من الخیر، و انس لی فی القبر وحشتی، واجعل لی عهداً یوم القاک منشوراً؛ ثم یوصی بحاجته.

و تصدیق هذه الوصیة فی القرآن فی السوره الّتی تذکر فیها مریم علیها السلام فی قوله عزّوجلّ «لا یملکون الشّفاعه الا من اتّخذ عند الرّحمن عهداً» فهذا عهد المیت. و الوصیه حق علی کلّ مسلم ان یحفظ هذه الوصیة و یعلمها و قال امیرالمؤمنین (ع): علّمنیها رسول الله و قال رسول الله علّمنیها جبرئیل (ع).

هر کس که در هنگام مرگ وصیت خود را بهترین وجه انجام ندهد این نشانه نقصی در عقل و مروت اوست. از رسول اکرم پرسیدند: کسی در شرف موت است چگونه باید وصیت کند؟ فرمود: چون هنگام وفات او در رسید و مردم بر او جمع شدند بگوید: خداوند، ای آفریننده آسمانها و زمین ای دانای نهان و آشکار، ای بخشنده مهربان، بارالها، من در این سرای دنیا با تو عهد می‌کنم و شهادت می‌دهم که خدایی جز تو نیست، تو واحدی و شریکی نداری و شهادت می‌دهم که محمد (ص) بنده و رسول توست، و



درد که قلب سلیم باشد است، یعنی از رذایل و محبت دنیا و معصیت و هر چه غیر خداست پاک شده باشد. اینها نمونه‌هایی از مظاهر قلب سلیم بود که در رفتار و کردار حاجیه خانم امین رضوان الله تعالی علیها دیده می‌شد و در هر حال ایشان بانوی نمونه و اسوه حسنه بودند و جدا اصفهان باید افتخار کند که در مهد خود چنین گوهری را پرورش داد.

سرانجام این حکیم الهی و عارف به نفحات رحمانی، نابغه دوران و مجتهد زمان پس از یک عمر خدمت خالصانه و صادقانه در بیست و سوم خرداد ماه ۱۳۶۲ مطابق با اول ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۳ هجری قمری سر در نقاب خاک کشید و پس از تشییع بسیار با شکوه و کم نظیر در

شهادت می‌دهم که بهشت حق است و جهنم حق است و رستاخیز و محاسبه حق است و عدل و قدر و میزان حق است و شهادت می‌دهم که قرآن حق است و همانگونه است که تو نازل کردی و شهادت می‌دهم که تو خدای حق مبین هستی. خدا محمد (ص) را جزای خیر دهد و به حیات توام با سلامت زنده بدارد. بارالها ای توشه من در تنگدستی ام و ای همدم من در سختی ام و ای ولی نعمت من، ای خدای من و خدای نیاکانم مرا به قدر چشم بر هم زدن به خودم وامگذار - که من در دنیا به شر نزدیک تر بوده ام و از خیر دورتر - و تنها پرهیزگارانند که اعمالشان مورد رضای باری تعالی واقع می‌شود، چنانکه فرموده است: «انما يتقبل الله من المتقين» (خداوند فقط اعمال پرهیزگاران را می‌پذیرد)

و به پرهیزگاری است که نفس انسان تکامل می‌پذیرد و به مرتبه عبودیت، که همان ربوبیت است واصل می‌گردد و نیز به صفت تقوا است که برای متقی علم و آگاهی به دست می‌آید چنانکه حق تعالی فرموده است «واتقوا الله و يعلمکم الله» (پرهیزگار باشید خدا می‌آمزد شما را). و معلوم است که دانشی که بوسیله تقوی حاصل می‌گردد غیر از علمی است که به وسیله تعلم و اکتساب از ادله نظری به دست می‌آید زیرا دانشی که به کسب و نظر حاصل می‌شود علم رسمی است و نور و ضیایی از آن حاصل نمی‌شود چنانکه شیخ بهائی (قدس سره) گفته است:

علم رسمی سر به سر قیل است و قال
نه از آن کیفیتی حاصل نه حال

اما علم و دانشی که به وسیله تقوی پدید می‌آید نوری است که خدای تعالی در قلب هر بنده‌ای که خدا بخواهد می‌تاباند.

سپس شما را به تحصیل معرفت و محبت الهی و امیدواری به ملاقات خدای سبحان سفارش می‌کنم زیرا هیچ کس به سعادت و رستگاری فائز نمی‌شود جز به معرفت و محبت باری تعالی و بدانید که خدا ناشناس بی‌قدر است و اعتنایی به اعمالش نیست اگرچه اعمال ثقلین را انجام دهد چنانکه بسیاری از اخبار گویای آن است. پس برای به دست آوردن تقوی و تحصیل معارف الهی و راه رضای او بکوشید و جدیت کنید و ثابت قدم باش چنانکه فرموده شدی.

و بدانید که «ان المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر» (پرهیزگاران در بهشت‌ها و در کنار جویبارانند و در جایگاهی راستین نزد پادشاهی توانا)

و به خدای تعالی و فرستادگان و خلفای او علیهم السلام بگروید که هر کس به خدا بگردد به دستگیره محکمی درآویخته که گسستن ندارد.

بارالها، در تنهایی قبر همدم باش و در آن روز که نامه‌های اعمال بندگان را بپراکنند برای من عهدی (برای نجات) قرار ده.

سپس محتضر باید خواسته‌های خود را وصیت کند. و گواه درستی این وصیت در قرآن است در سوره‌ای که بانو مریم علیه السلام از این کلام خدا یاد می‌کند که: در قیامت هیچ کس از شفاعت برخوردار نمی‌شود جز آنکه در نزد خدای رحمان عهدی داشته باشد. پس این عهد میت است و وصیت حق و تکلیف است و بر هر مسلمانی واجب است که این وصیت را حفظ کند و آن را به دیگران بیاموزد.

و امیرالمومنین علیه السلام فرموده است این وصیت را رسول خدا به من آموخت و رسول اکرم (ص) فرموده است این وصیت را جبرئیل به من آموخت. پس من نیز به همه برادران و خواهران خود از مومنین و مسلمین، وصیت می‌کنم به آنچه معتقدم از اموری که موجب سعادت و رستگاری و کمال و نجات است و از خدای تعالی و پروردگار یکتا می‌خواهم که مرا و تمام مومنین و مومنات را برای رسیدن به آن موفق گرداند.

شما را سفارش می‌کنم به پرهیزگاری البته آن طور که شایسته پرهیزگاری است، و توجه به خدای سبحان با تمام همت و توانایی و این که هرگز و در هیچ حال در آسایش و تندرستی سختی و مرض و در نعمت و تنگدستی در عافیت و آفت زدگی و در فقر و بی‌نیازی از او لحظه‌ای غفلت نکنید و با قلب و زبان همیشه به یاد او باشید و اوامر و نواهی او را ترک نکنید چنانکه حضرت صادق (ع) برای ابوعبید خزاعی، در ضمن سخنان خود، فرمودند: همیشه به یاد خدا باش ولی نه اینکه فقط سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر بگویی گرچه آن هم ذکر خداست لکن مقصود آن است که وقتی با حلال و حرام مواجه شدی خدا را فراموش نکنی، اگر طاعت است به جا آر و اگر معصیت است از آن دوری گزین.

و این آیه را از قرآن کریم فراموش مکن که می‌فرماید: مردانی که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن خمس و زکوه باز نمی‌دارد و می‌ترسند از روزی که در آن دلها و چشمها دگرگون است، تا اینکه خدا بهتر از آنچه انجام داده‌اند جز ایشان دهد و از فضل خود پاداش آنان را زیاد کند و عمل نیک انجام دهد

و بدانید که خدای عزوجل می فرماید ضایع نمی کنم عمل عاملی از شما را مرد باشد یا زن. و اعمالتان را برای خدا خالص کنید و از آن به فکر اجر و پاداشی نباشید و آن را وسیله رسیدن به لقاء الله قرار دهید چنانکه فرموده است کسی که به لقاء پروردگارش امیدوار باشد باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش شریک آورد.

در تمام امور بر خدای تعالی توکل داشته باش زیرا کسی که به خدا توکل کند خدا او را کفایت می کند و به قضا و قدر الهی راضی و در برابر اوامر او تسلیم باش و بدان که مرتبه رضا و تسلیم از مراتب بس بزرگ است و کسی که به آن نائل شود البته رستگار خواهد بود و در بلاها و مصایب صبر کن که «انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب» اجر صبر کنندگان تماماً و بدون حساب به ایشان داده می شود. و بدان که راه شناخت خدا و کسب رضای او منحصر است در پیروی از فرستاده او محمد صلی الله علیه و اله و محبت نزدیکان و یارانش و ولایت آنان را به دست آر که رشته ای محکم است و ریسمانی است متین و کشتی نجات است، و کسی که به آن متوسل شود نجات می یابد و هر که از آنان ببرد هلاک گردد بی آنکه دریابد. و بدان که طی راه خدا ممکن نیست مگر به هدایت این پیشوایان حقیقت، بلکه منحصر است به ولایت و محبت آنان، چنانکه از خود ایشان علیه السلام رسیده است: «بنا عرف الله و بنا عبد الله لو لانا ماعرف الله» و پیامبر اکرم (ص) در حدیثی مشهور فرمودند: «و ما نودی بشی کما نودی بالولایه» (به هیچ چیز همچون ولایت سفارش و امر نشده است) و از آن چه حرام شده است و از مکروهات، حتی از مشتبهات اجتناب کن. زیرا ارتکاب حرام، راه خدا را بر تو می بندد و تو را از خدای سبحان دور می دارد، و انجام مکروهات و مشتبهات تو را در محرمات می افکند و بی آنکه دریابی هلاک خواهی شد، که: «من اجتنب الشبهات نجی من المحرمات». و خود را در انجام واجبات، بلکه مستحبات و نوامیس الهی و اعمال صالح، به زحمت بینداز، و کوشش کن در مراعات شرایط درستی و قبول آنها، آنطور که صلاحیت حضور در پیشگاه مولا جل شانہ را داشته باشد و مورد نظر او واقع گردد.

و با خود در مخالفت تمایلات نفس و تطهیر آن از اخلاق ناپسند و اتصاف آن به صفات حمیده مجاهده کن و از غفلت و بطالت بپرهیز. و هر صبح و شام نفس خویش را تحت محاسبه قرار ده و در هر عمل که از آن صادر می شود مراقبت باش مبدا لحظه ای از طاعت خدا

تخطی کند و جان و مال و تمام نیروی خود را در راه رضای خدای تعالی مصروف دار و خود وصی خود باش و آنچه را که میل داری درباره دارایی ات انجام شود خودت انجام بده، چنان که حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمودند: «یا بن آدم کن وصی نفسک واعمل فی مالک ما توثر ان یعمل فیه من بعدک».

و برای فرزند خود امام حسن علیه السلام نیز فرمودند: «ای فرزندم از دنیا چیزی برای بعد از خود وا مگذار، زیرا یکی از دو نفر ممکن است آنرا به جای تو مصرف کند: یا مردی است که در آن به طاعت خدا عمل می کند، که او به سعادتی رسیده است که تو در آن کوتاهی کرده ای، یا شخصی است که به نافرمانی خدا میراث تو را خرج می کند، که تو به او کمک کرده ای. پس هیچ کدام از آن دو سزاوارتر از تو نیستند که تو برخویشتن برگزینی و بار خود را بر دوش آنان بگذاری.» و نیز فرمودند: «سود هر کس از مال دنیا همان است که برای آخرت خود صرف می کند.» و در اصلاح امور مسلمین و مومنین جد و جهد کن که در کافی روایت شده است که حضرت صادق (ع) از قول پیامبر خدا (ص) فرمودند: «کسی که شب را صبح کند و به فکر امور مسلمانان نباشد از مسلمانان به حساب می آید» و همچنین اخبار بسیار دیگر.

و بر افراد نوع خود و دیگر مخلوقات خدای سبحان احسان کن و نسبت به افراد پیر مانند فرزند و نسبت به جوانان همچون برادر و برای اطفال مانند پدر باش و آنچه برای خویش دوست می داری برای ایشان روا بدار و آنچه بر خود نمی پسندی بر آنان خوش مدار و حقوق هر صاحب حقی از آنان را ادا کن و با همه ایشان حتی با دشمنان خود نیز مهربانی کن و هر چه ممکن است عیوب و لغزش آنان را پوشیده بدار. و از محبت دنیا بپرهیز زیرا «حب الدنیا راس کل خطیئه» بیش از همه چیز از نفس اماره خطا کار و غافل و ساهی لاهی، که تنها به شهوات و تزیینات طبیعت متوجه است بر حذر باش که بالاترین دشمن توست، همان طور که اخبار بیان گر آن است و بترس از اینکه به امید فردا مغرور شوی و مگذار که آروزهای این حیات حسی تو را بفریبد، که خدا آن را و دوستدارانش را مذمت فرموده - آنجا که در سوره یونس (ع) فرموده است: «آنانکه ملاقات ما را امید ندارند و به زندگانی دنیا خوشنودند و به آن آرمیده اند و آنانکه از آیات ما غافل اند جایگاهشان آتش است به سبب آنچه کسب کردند»

و خود را در شکستن شهوات نفسانی به زحمت بینداز، بدین گونه که با مورد تمایل نفس خویش از



لذاذ نفسانی، مخصوصا شکمبارگی مخالفت کن تا از بندگی نفس عماره و شیاطین مکاره آزاد شوی، زیرا که پرخوری هوش و ذکاوت را به تیرگی می کشاند و پُری معده قساوت قلب می آورد و بیشتر کسانی که در این دنیا سیرتر بوده اند در قیامت گرسنگی آنان طولانی تر می شود، چنان که اخبار بسیار گویای این مطلب است. و بدان که هیچ کس به مقام موحدین و متوکلین و صالحین و متقین نمی رسد جز بعد از ریاضت های دشوار و کوشش های بسیار از تهذیب اخلاق و پاک سازی نفس از رذائل و آراستگی به صفات فضائل و واگذاشتن رسوم و عادات و فارغ داشتن قلب از اغیار و مداومت بر ذکر خدای واحد قهار و مراقبت بر آن، زیرا به وسیله این ها نفس انسان مستعد افاضه نور معرفت و یقین می گردد و از حسیض ناسوت به اعلی علیین عروج می کند. و در تحصیل بی نیازی ابدی، به توسط این بدن، تا آنجا که ممکن است بکوش قبل از این که زمان فنا و فساد آن فرا رسد و بترس از این که نفس تو در زندان طبیعت محبوس گردد و در دیار غرور و فریب ماندنی شود و از افرادی شوی که خواهند گفت: «رب ارجعونی لعلی اعمل صالحا فیما ترکت.»

[سوره ۲۳، آیات ۹۹ و ۱۰۰: پروردگارا مرا بازگردان تا شاید اعمال نیکویی را که واگذاشتم انجام دهم.]

و جواب شنودند: «کلا آنها کلمه هو قائلها و من وراءهم برزخ الی یوم یبعثون.»

[نه چنین است؛ این حرفی است که او می گوید و در

ورای آنان برزخی است تا روز قیامت.]

سپس از شما برادران مؤمن می خواهم که برای من نزد پروردگار گواهی دهید چنان که خدای سبحان را گواه گرفته ام (وکفی به شهیدا) و نیز تمام ملائکه و سکنه آسمان ها و حاملان عرش و کسانی که برگزیده خدا هستند از انبیاء و رسل گواه می گیرم به این که اقرار می کنم و به زبان و قلب و باطن بلکه به جمیع اعضا و جوارح، شهادت می دهم «لا اله الا الله و انه تعالی واحد احد صمد لم یتخذ صاحبه و لا ولدا و انه تعالی و تقدس عالم قادر حی مرید مدرک ازلی ابدی سرمدی سمیع بصیر رحیم غفور منزه عن جمیع نقایص الممكنات.»

و نیز شهادت می دهم که جمیع ملائکه و انبیاء و رسل و کتب حق و صدق اند و شهادت می دهم که جدّم محمد صلی الله علیه و آله عبد و پیامبر خدا و خاتم النبیین است و هر چه به او نازل شده است حق و صدق است و این که او «ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی.»

[سوره ۵۳، آیه ۳ و ۴: هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید و سخنان او هیچ نیست مگر وحی الهی.]

و شهادت می دهم که وصی بعد از او و خلیفه بلافصل او جدّم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است. و اینکه حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة بن الحسن القائم المهدي صلوات الله علیهم اجمعین امامان من هستند.

و شهادت می‌دهم که امام منتظر حجتی که نبی اکرم (ص) در اخبار فراوانی به ظهورش خبر داده است - اخباری که از متواترات است و از طریق خاصه و عامه نقل شده و از آن جمله است فرمایش او (ص) که: «ان المهدی من عترتی من اهل بیته یخرج فی آخر الزمان تنزل له السماء مطرها و تخرج له الارض بذرها فیملأ الارض عدلا و قسطا کما ملاءها القوم ظلما و جورا» - آمده از عترت و اهل بیت من در آخر الزمان ظهور می‌کند و آسمان‌ها به پاس او برکات خود را فرو ریزند و زمین بذر و نعمت‌های خود را برای او خارج می‌سازد، پس زمین را پر از عدل و داد همچنان که ظالمان آن را از ظلم و جور پر کرده‌اند.]

همان حجة بن الحسن قائم است که روح و جانم فدای او باد و خدا تعجیل در فرج او فرماید و ظهور حضرتش را آسان گرداند.

و شهادت می‌دهم که معاد یعنی رستاخیز حق است و صراط و میزان حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و قرآن و تمام کتب آسمانی حق است و همه این‌ها برای من به طور یقین و بصیرت دینی است. و خدا را گواه می‌گیرم و (کفی به شهیدا) که آن چه را از معارف حقه یادآور شدم تقلید از دیگران نبوده بلکه به جهت پیروی از دین اسلام پروردگارم به من الهام کرده و به سوی آن‌ها هدایت نموده است و بدین وسیله سینه‌ام را بسط داده به طوری که قلبم به آن چه در این جا گفتم یا نگفتم احاطه دارد زیرا معانی ذوقی به رشته تحریر در نمی‌آید و همین اندازه از بیان کافی است برای آنان که دارای بصیرت قلبی باشند و همه این‌ها از تفصیل پروردگار من است «لیبلونی ءاشکر ام اکفر و من شکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان ربی غنی کریم.»

[سوره ۲۷، آیه ۴۰: تا بیازماید مرا که آیا شکرگزارم یا کفران می‌ورزم و هر که شکر کند سود آن عاید خودش می‌شود و هم چنین است ناسپاسی زیرا پروردگارم بی‌نیاز و کریم است.]
خدایا ثابت بدار مرا و جمیع برادران و خواهران مؤمن مرا بر کلمه اخلاص «وهب لنا من لدنک رحمة و قنا عذاب النار.»^{۲۱}



پی‌نوشت‌ها

۱. رک: مخزن اللثالی
 ۲. همان، صص ۴۹ و ۵۰.
 ۳. همان، ص ۶۲.
 ۴. بانوی مجتهد سیده نصرت امین در کتاب مخزن اللثالی نام راویان و ناقلان روایات را که اهل سنت هستند را آورده‌اند. رک: همان، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.
 ۵. زندگانی بانوی ایرانی، ص ۱۰۳.
 ۶. همان، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.
 ۷. رک: همان، صص ۱۰۴ تا ۱۰۶.
 ۸. مشاهیر زنان اصفهان، صص ۹۱ تا ۹۳.
 ۹. زندگانی بانوی ایرانی، ص ۷۵.
 ۱۰. همان، ص ۷۲.
 ۱۱. ترجمه اسرارالآیات (ملاصدرا شیرازی)، علویه همایونی
 ۱۲. مأخوذ از تقریر بانو مجتهد امین در ترجمه اربعین
- هاشمیه از خانم علویه همایونی
۱۳. مشاهیر زنان اصفهان، ص ۷۲.
 ۱۴. به نقل از بانو همایونی مندرج در زندگانی بانوی ایرانی، ص ۷۴.
 ۱۵. زندگانی بانوی ایرانی، ص ۷۵.
 ۱۶. یادنامه بانوی مجتهد سیده نصرت امین، ص ۳۵.
 ۱۷. رک: همان، صص ۳۵ و ۳۶.
 ۱۸. مقاله خانم فردوس مدرس هاشمی تحت عنوان قلب سلیم رمز موفقیت، مندرج در کتاب بانوی ایرانی، ص ۲۱۱.
 ۱۹. همان، ص ۲۱۵.
 ۲۰. یعنی: علم به یادگیری زیاد نیست بلکه علم نوری است که خداوند بر قلب هر بنده‌ای از بندگانش که بخواهد افاضه می‌فرماید.
 ۲۱. یادنامه بانوی مجتهد سیده نصرت امین، صص ۶۰ تا ۶۷.